



Controversies Between Homam and Saadi from a Grammatical Point of View

Hamidreza Azimi¹ Seyyede Fateme Hashemian²

1. Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: fateme.hashemian@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: azimi_hamidreza@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article
(P 41-58)

Article history:

Received:
11 September
2022

Received in
revised form:
27 February 2023

Accepted:
6 March 2023

Published online:
21 June 2023

In different periods of the history of Persian literature, the art of conflict or answer has been prevalent among poets, especially famous poets of each period. Some of these controversies were confined to the realm of imitation, and others were able to achieve a desirable degree of technical value through the innovations of their creators. A study of books of poems which is called *divan*, shows that the relationship of poets sometimes occupies a significant part of their poems. One .e.g. of this relationship is the technique of conflict or response. One of these conflicts is the conflict between Homam tabrizi and Saadi shirazi. Examining sources such as *Tarikh Gozideh*, *Muns al-Ahrar*, *Tazkira al-Shoara*, etc. shows that the debate between Homam and Saadi has a history among the ancients. Some of the oldest sources that have mentioned Homam's conflicts with Saadi which is addressed in this research are: The *jong* that was kept in the library of Lala Ismail in Turkey and was written in 741-742 AH by several scribes, the *safine* of Shams Haji which was written in 741 AH by a man named Muhammad known as Shams Haji and is now kept in the NafezPasha Library of Turkey and an ancient manuscript from the *Divan* of Shams Tabrizi, which was written in 739 AH by Ali Shah ibn Ali Sa'iq Esfahani and is now kept in the library of Ayatollah Marashi in Qom. In these manuscripts, the contradictions of Homam and Saadi are explicitly mentioned. For example, the *jong* of Lala Isma'il has mentioned the sonnets of Sa'di and Homam as the "Contradictions" between Sa'di and Homam. Also in the old *Divan* of Homam, some of Homam's sonnets and Saadi's sonnets have come together. In the present study, based on these contradictions in the mentioned manuscript and with the help of statistical method, we tried to enumerate the similarities and differences between Homam and Saadi by comparing the domains of vocabulary and syntax. Indeed this thesis was investigated the words construction, non-persian words, verbs construction, particles, deletion, shifting pronouns, presentation and delay of sentence components. At last, we examined the lexical structures of each and found that Saadi paid more attention to the types of words and the variety and novelty of the lexical structures than to Homam. We found that the syntactic structures in Saadi's sonnets are more solid. For example Saadi has more deletations than Homam which made his poetry more concise. Also Homam moved the parts of the sentence more than saadi which caused it to deviate from the standard syntax. Also, statistical charts are drawn using Excel software to display the results of the research in one place.

Keywords:

Saadi, Homam, Conflict, Words, Syntax, Lala Ismail Jong.

Cite this article: Hashemian, Seyyede Fateme and Hamidreza Azimi (2023), "Controversies Between Homam and Saadi from a Grammatical Point of View", *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Vol: 12, Issue: 1, Ser.N: 29, 41-58, <https://doi.org/10.22059/jlcr.2023.348315.1878>





پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۷۶۲۷

<https://jalit.ut.ac.ir>



معارضات همام و سعدی از دیدگاه صرف و نحو

حمیدرضا عظیمی^۱ | سیده فاطمه هاشمیان^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: azimi_hamidreza@ut.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fateme.hashemian@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (ص ۴۱-۵۸)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۳/۳۱</p>	<p>در دوره‌های مختلف تاریخ ادب فارسی فنّ معارضه یا جواب در میان شاعران، به‌ویژه شاعران سرشناس هر دوره با دیگران رواج داشته است. تعدادی از این معارضات در دایره تقلید صرف محصور گشتند و تعدادی دیگر با نوآوری‌های سازندگان آنها توانستند به لحاظ ارزش فنی به درجه مطلوبی برسند. بررسی دیوان اشعار نشان می‌دهد که ارتباط شاعران با یکدیگر گاه بخش قابل توجهی از دیوان ایشان را به خود اختصاص می‌دهد. از مصادیق این ارتباط یکی فنّ معارضه یا جواب است. یکی از این معارضات که در این پژوهش به آن پرداخته شده، معارضه همام تبریزی با سعدی شیرازی است. بررسی منابعی چون <i>تاریخ گزیده</i>، <i>مونس الأحرار</i>، <i>تذکره الشعرا</i> و ... نشان می‌دهد که بحث همام و سعدی در میان قداما دارای سابقه است. برخی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین منابعی که به معارضات همام با سعدی اشاره کرده‌اند و نیز دربردارنده متن این معارضات هستند عبارت‌اند از: <i>جنگ کتابخانه لالاسماعیل ترکیه</i>، <i>سفینه شمس حاجی و دست‌نویس کهن دیوان همام تبریزی</i>. در پژوهش حاضر بر اساس متن این معارضات در نسخ نامبرده و به کمک روش آماری، تلاش شده تا با مقایسه حوزه‌های واژگان و نحو، شباهت‌ها و تفاوت‌های همام و سعدی در سرودن غزل برشمرده شود. در بخش واژگان ساخت‌های واژگانی هر واژه بررسی و مشخص شده که سعدی بیش از همام به انواع واژه و تنوع و تازگی ساخت‌های واژگانی پرداخته است و در بخش نحو با بررسی ساختمان افعال، کاربرد حروف، رقص ضمیر، انواع حذف و جابه‌جایی‌های نحوی مشخص شده که ساختارهای نحوی در غزل سعدی استحکام بیشتری دارند.</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p>	<p>سعدی، همام، معارضه، واژگان، نحو، جنگ لالاسماعیل.</p>

استناد: عظیمی، حمیدرضا و سیده فاطمه هاشمیان (۱۴۰۲)، «معارضات همام و سعدی از دیدگاه صرف و نحو»، *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۱۲، ش ۱، پای ۲۹، ۴۱-۵۸. <https://doi.org/10.22059/jlcr.2023.348315.1878>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

«معارضه» در لغت به معنای رویارویی و ستیز و در اصطلاح اهل ادب به معنای سرودن شعری در وزن، قافیه و مضمون شعر شاعری دیگر با تغییرات بسیار یا اندک است. در دوره‌های مختلف تاریخ ادب فارسی فنّ معارضه یا جواب در میان شاعران، به‌ویژه شاعران سرشناس هر دوره با دیگران، رواج داشته است. تعدادی از این معارضات در دایره تقلید صرف محصور گشتند و تعدادی دیگر با نوآوری‌های سازندگان آنها توانستند به لحاظ ارزش فنی به درجه مطلوبی برسند. یکی از این معارضات معارضه همام تبریزی با سعدی شیرازی است. در برخی از تذکره‌ها مثل *تذکره الشعرا* (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲۴)، *مرآة الخیال* (امیر علی شیرخان لودی، ۱۳۷۷: ۴۳) و *آتشکده آذر* (آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۱۳۸)، درباره ملاقات میان همام و سعدی داستانی ذکر شده است. فارغ از صحت یا عدم صحت، این داستان نشان‌دهنده توجه همام به سعدی و رقابتش با اوست. در حال آنچه به‌طور حتم می‌دانیم این است که آنها در یک عصر می‌زیستند و بر اساس منابع موجود، همام برخی از غزل‌های سعدی را جواب گفته است. از جمله منابعی که به این موضوع پرداخته‌اند، یکی جنگ شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه است^۱ که در سال ۷۴۲ ق کتابت شده و در آن متن کامل غزل‌های دو شاعر در پی هم آمده است. دیگری جنگی است که در سال ۷۴۱ ق کتابت شده و به شماره ۱۰۲۶ در کتابخانه نافذپاشای ترکیه نگهداری می‌شود و در سال ۱۳۸۸ با مقدمه، تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی با عنوان *سقیه شمس حاجی*^۲ از طرف انتشارات سخن چاپ شده است. همچنین در دست‌نویس کهنی از *دیوان همام*^۳ در کتابخانه

۱. در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه جنگ کهنی به شماره ۴۸۷ نگهداری می‌شود که مشتمل بر اشعار و رسالات فارسی است و چند کاتب به نام‌های محمد بن حیدر حسینی، عبدالکریم بن اصیل جاربردی، حمزه بن عبدالله طواشی، محمد بن عبدالرزاق بن ابراهیم، عبدالمجیب بن محمد بن حسن بن غفیف اصفهانی و حاجی محمد گوینده تبریزی، آن را در سال ۷۴۱ و ۷۴۲ هجری در مصر کتابت کرده‌اند و در آن یادداشت‌هایی نیز با تاریخ‌های ۷۵۴، ۷۸۸ و ۷۹۲ هجری دیده می‌شود. محتوای جنگ لالا اسماعیل را علاوه برگزیده اشعار فارسی، مطالب زیر تشکیل می‌دهند:

نامه شمس‌الدین صاحب دیوان، بدیعه منظوم قوامی گنجوی، عینیه ابن سینا، منتخبات دیوان انوری و کمال اسماعیل و امامی هروی و مجیر بیلقانی و جلال عتیقی و محمد منور کرمانی و عراقی، روشنایی‌نامه ناصر خسرو، معارضات بین غزلیات سعدی و همام، ملتسمات حسام‌الدین خوبی، روابیع الافکار فی بدایع الاشعار حسام‌الدین حسن صدری، رساله نفس، منازل سبعة خواجه عبدالله انصاری و نامه قلندران (میرافضی، ۹۱: ۱۳۸۲).

۲. *سقیه شمس حاجی* در سال ۷۴۱ هجری توسط شخصی به نام محمد ملقب به شمس حاجی دولت‌شاه شیرازی کتابت و تدوین شده است. اصل آن در کتابخانه نافذپاشای ترکیه نگهداری می‌شود (نسخه شماره ۱۰۲۶). در اردیبهشت ۱۳۳۵ به اهتمام مجتبی مینوی میکروفیلم (شماره ۶۰۱) و عکس (شماره ۳۶۷۳-۳۶۷۶) این جنگ برای کتابخانه دانشگاه تهران گرفته شده است. همچنین دانش‌پژوه فهرستی از مقدماتی از مندرجات جنگ به دست داده است. این مجموعه به خط نسخ و در ۳۷۰ صفحه کتابت شده و صفحه‌شمار ندارد. پریشیدگی در نظم و ترتیب صفحات در آن دیده نمی‌شود. در هر صفحه به‌طور متوسط ۱۵ بیت نوشته شده است. به نظر می‌رسد که شمس حاجی برای این جنگ نام خاصی انتخاب نکرده و در انجامه آن عنوان ساده مجموعه (به معنای سقیه و جنگ) را بر آن اطلاق کرده است. این جنگ در سال ۱۳۸۸ با مقدمه، تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی با عنوان *سقیه شمس حاجی* از طرف انتشارات سخن چاپ شده است.

۳. جواد بشری در مقاله‌ای با عنوان «کهن‌نوشته‌هایی درباره ارتباط سعدی با خضر» از دست‌نویسی از *دیوان همام* اطلاع داده‌اند که در کتابخانه آیه‌الله مرعشی قم به شماره ۱۶۵۰۹ به ثبت رسیده است و قدیمی‌ترین نسخه موجود از *دیوان همام* به شمار می‌رود. کتابت این دست‌نویس را علی‌شاه بن احمد شاه بن علی صائغ اصفهانی در تاریخ دوشنبه ۲۱ صفر ۷۳۹ ق به پایان

آیه‌الله مرعشی قم به شماره ۱۶۵۰۹ که قدیمی‌ترین نسخه موجود از دیوان همام محسوب می‌شود و در سال ۷۳۹ ق توسط علیشاه بن احمدشاه بن علی صائغ اصفهانی کتابت شده نیز مطلع غزل‌های سعدی و همام به دنبال هم آمده است.

معارضات همام و سعدی تاکنون در هیچ پژوهشی به‌طور مفصل و مستقل مورد مقایسه قرار نگرفته است. درباره مقایسه غزلیات این دو شاعر فقط دو اثر موجود است:

۱. نعمت اله نصرتی در سال ۱۳۸۸ پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی سبک‌شناختی پانزده غزل سعدی و پانزده غزل همام تبریزی»، با راهنمایی عیسی نجفی در دانشگاه پیام نور واحد تهران نگاشتند که در آن غزل‌های همام و سعدی را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار دادند. در سطح زبانی مقولات اسم ساده یا مرکب، فارسی یا عربی یا سایر زبان‌ها، ذات یا معنی و... فعل از نظر ساختمان، زمان و وجه، حروف، صفت، قید، ضمیر و ... از نظر ساختمان، معنی، جنس و ... در قسمت ادبی انواع تشبیه از لحاظ ساختمان، در قسمت استعاره ساختمان استعاره، در قسمت کنایه انواع کنایات رایج از لحاظ ساخت و در سطح فکری هم به‌طور کلی به اندیشه‌های هر دو شاعر پرداخته‌اند. تلاش ایشان در این پژوهش دستیابی به اطلاعاتی برای آگاهی از گرایش همام و سعدی به قطب استعاری و مجازی زبان است. ایشان پس از توضیحاتی درباره قطب استعاری و مجازی زبان از دیدگاه یاکوبسن بیان کردند که زبان ادبی سعدی بیشتر متمایل به قطب استعاری است و زبان همام با آنکه کاربرد کمتری در نوع استعاره‌ها دارد، لیکن در پاره‌ای از موارد به دلیل افراط در کاربرد قطب استعاری از فصاحت آن کاسته شده است. ایشان معلوم نکرده‌اند که مبنای گزینش غزل‌ها بر چه اساسی استوار است. به نظر می‌رسد که در گزینش غزل‌ها و در مقابل هم قرار دادن آنها کاملاً سلیقه‌ای عمل کرده‌اند. البته در انتخاب تعداد کلی ابیات هر کدام از این دو شاعر، مساوات را رعایت کرده‌اند.

۲. حمیده نوح‌پیشه در ۱۳۹۳ مقاله‌ای با عنوان «ارتباط برون‌متنی و درون‌متنی غزلیات سعدی و همام تبریزی (با تأکید بر بلاغت ساختارهای نحوی در غزل سعدی)» در جشنواره علمی فرهنگی آموزگار ادب ارائه داده‌اند که در آن بر اساس نسخه لالاسماعیل ابیاتی را که دارای زمین و مضمون مشترک هستند از لحاظ بلاغت ساختارهای نحوی مورد مقایسه قرار داده‌اند. ایشان بعد از انتخاب بیست بیت از سعدی و بیست بیت از همام از متن معارضات که دارای وزن، قافیه و مضمون مشترک هستند، کارکردهای بلاغی ساختارهای نحوی هر بیت را به تفکیک توضیح داده‌اند. ایشان معتقدند که همام بیش از هر چیز تحت تأثیر زبان روان سعدی بوده و گاه توانسته به او نزدیک شود ولی در بسیاری از ابیات نیز به تقلید صرف و حتی ضعیف‌تر از شعر سعدی اکتفا کرده است. سپس به توضیح برخی از عوامل عدم موفقیت او می‌پردازد؛ از جمله اینکه انسجام ابیات در غزل سعدی به دلیل استفاده از جملات مرکب بیشتر و در عین حال

برده است. در این دست‌نویس مطلع ۲۳ غزل سعدی و همام با عنوان «شیخ سعدی فرماید» و «مولانا همام‌الدین فرماید» در پی هم آمده است.

بندهای معنایی کمتر، بیش از همام است. از طرفی ساخت جمله در غزل همام طولانی‌تر است و این امر به‌نوبه خود رابطه مستقیمی با دشواری درک و ابهام دارد. سعدی به ذکر و تقدیم مسندالیه بیش از همام پایبند است و جابه‌جایی نحوی و نیز تنوع آن در غزل همام بیش از سعدی است. در پایان مقاله نیز با استفاده از نرم‌افزار اکسل به گزارش آماری و مقایسه‌ای ساخت‌نویسی جمله‌واره‌های ابیات مشترک غزل‌های همام و سعدی پرداخته‌اند که در نوع خود جالب توجه است.

شایان ذکر است که نسخه کتابخانه لالاسماعیل به دو دلیل مبنای این پژوهش قرار گرفته است: اولاً، در این جنگ مشخصاً فصلی با عنوان «المعارضات بین غزلیات الشیخ سعدی و مولانا همادالدین طاب ثراهما» آورده شده و از این جهت که صراحتاً به معارضه و منافسه میان همام و سعدی اشاره کرده حائز اهمیت است؛ ثانیاً، این نسخه حاوی متن کامل غزل‌های معارضه در پی هم است؛ بنابراین بر اساس این نسخه و نه بر مبنای دیوان همام و سعدی، به مقایسه سرفصل‌های مورد پژوهش در این تحقیق پرداختیم. آمار و ارقام و نتایج کسب‌شده نیز بر اساس متن غزل‌های همام و سعدی در همین نسخه، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین منابعی که به معارضه همام و سعدی توجه داشته، استخراج شده است. ضمناً در کنار این نسخه به دو منبع دیگر نیز توجه داشته‌ایم. تحقیق حاضر تلاشی است در جهت مقایسه معارضات همام و سعدی در دو حوزه واژگان و نحو که با بررسی موردی متن معارضات و با استفاده از نرم‌افزار Excel انجام شده است.

۲. واژگان

۲-۱. ساختمان واژه

واژه به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های زبان، اولین و مهم‌ترین ابزار بیان مقصود است. هر شاعری بر اساس دایره واژگانی خود از کلماتی برای ساختن شعر استفاده می‌کند و گاه با توجه به تسلط بر حوزه زبان، ترکیبات جدیدی می‌سازد. در مواجهه با واژه نیز، شناخت دو ساخت و معنا برای خواننده ضروری است. در علم صرف، واژگان را بر اساس ساخت به چهار دسته ساده، مشتق، مرکب و مشتق مرکب طبقه‌بندی می‌کنند. درباره همام و سعدی بخش زیادی از واژگان اشعارشان را واژگان ساده تشکیل می‌دهد. سعدی مجموعاً ۲۴۶۵ عدد واژه ساده در غزلیات خود به کار برده که در قیاس با کل واژگان به کار رفته در شعرش ۸۲/۹ درصد را به خود اختصاص داده است. در اینجا برای نمونه به ابیاتی از او که تمامی واژگان آن از نوع ساده باشند، اشاره می‌کنیم:

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
معاشران ز می و عاشقان ز ساقی مست
مژه بر هم نزنند گر بزی تیر و سانش
به دام هجر چه باز سپید و چه مگسی
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۱، ۳۴، ۱۷۵ و ۱۹۲)

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
نگاه من به تو و دیگران به خود مشغول
به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق
به چنگ عشق چه شیری فتد چه مورچه‌ای

همچنین غزل همام ۲۲۲۲ واژه ساده دارد که ۸۳/۳ درصد از کل واژگان به کار رفته در شعر اوست. برای نمونه به تعدادی از ابیات همام که دارای واژگان ساده هستند توجه کنید:

به معنی چون شود صورت مزین	چو قصری باشد از خورشید روشن
ز سوز سینه من ساروان به فریادست	ز بیم آنکه رسد آتشش به بار و جمال
آفتابی و ز مهرت همه دل‌ها محرور	چشم روشن بود آن را که تو باشی منظور
نیست ما را شب وصل تو میسر زیرا	که شب تیره شود روز چو رخ بنمایی

(همام، ۱۳۹۴: ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۳۱ و ۱۶۲)

واژگان ساده به تنهایی نمی‌توانند تمام اهداف شاعر و معانی مد نظر او را بیان کنند. از طرفی ظرفیت‌های زبانی به شاعران اجازه می‌دهد که با توجه به واژگان و عناصر دستوری موجود به ترکیب‌سازی بپردازند. البته با وجود اینکه بیشترین حوزه بدعت شاعران اساساً باید در همین مقوله واژه‌سازی باشد، لیکن به طور قطعی نمی‌توان گواهی داد که این واژه‌ها تا چه اندازه ساخته خود شاعر است. در هر حال آنچه اهمیت دارد این است که واژه‌سازی امکانات زبان را برای شاعر گسترش می‌دهد تا به تبع آن انتقال مفاهیم به مخاطب نیز برای او ساده‌تر گردد. یکی از راه‌های واژه‌سازی اشتقاق است. در غزل همام و سعدی واژگان مشتق از نظر فراوانی در ردیف دوم و پس از واژگان ساده قرار می‌گیرند. سعدی ۳۱۵ واژه مشتق در متن معارضات به کار برده که سهم آن از کل واژگان ۱۰/۶ درصد است. در اینجا به برخی از این واژگان در خلال ابیات اشاره می‌کنیم:

خرامان از درم باز که از جان آرزومندم	به گفتار از تو خشنودم به دیدار از تو خرسندم
این دلبری و شوخی از سرو و گل نیاید	وین شاهی و سنگی در ماه و خور نباشد
به لاله‌زار و گلستان نمی‌رود دل من	که روی دوست گلستان و لاله‌زار من است

(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۶۲ و ۲۲۸-۲۲۹)

همچنین همام ۲۹۰ واژه مشتق به کار برده است که در مقایسه با کل واژگان به کار رفته در غزل او ۱۰/۹ درصد را از آن خود کرده است:

ز هر طرف که نگه می‌کنم برابر او	هزار سینه نالان و چشم گریان است
مطلب دانش از آن کس که به آب دیده	شسته باشد ورق دفتر دانایی را
امید وعده دیدار می‌دهد ایام	خوشست وعده او گر دهد زمانه مجال

(همام، ۱۳۹۴: ۶۰، ۷۳ و ۱۱۶)

همان‌طور که اشاره شد مهم‌ترین حوزه خلاقیت شاعران در واژه‌سازی است. یکی دیگر از روش‌های واژه‌سازی ترکیب است که با ظرفیت‌هایی که برای ایجاد ترکیب‌های نو به وجود می‌آورد امکان گسترش دامنه واژگان را نیز افزایش می‌دهد. واژگان مرکب در سومین ردیف واژه‌های هر دو شاعر قرار می‌گیرند. سعدی ۱۴۶ واژه مرکب به کار برده است که ۴/۹ درصد از کل واژگان را به خود اختصاص داده‌اند. به نمونه‌هایی از این واژگان در بیت‌ها توجه کنید:

ماه چنین کس ندید خوش سخن کش خرام	ماه مبارک طلوع سرو قیامت‌قیام
به ییاد روی گل‌بوی گل‌اندام	همه شب خار دارم زیر پهلو

برخیز تا یکسو نهیم این دلق ازرق فام را
 فتنه باشد شاهدهی شمعی به دست
 بر باد فلاشی دهیم این شرک تقوی نام را
 سرگران از خواب سرمست از شراب
 (سعدی، ۱۳۸۵: ۹۱، ۱۲۷، ۱۳۱ و ۱۸۵)

همام ۱۲۲ واژه مرکب به کار برده است که ۴/۶ درصد از کل واژگان او را دربرمی گیرد. به نمونه‌های زیر از او توجه کنید:

هر گرانجانی نشاید مجلس اصحاب را
 خوشبوتر از نسیمی در صبح نوبهاری
 یا ملیحی شنگ باشد یا سبک‌رو حی ندیم
 شیرین‌تر از حیاتی در موسم جوانی
 در زهد پارسایی چندان عجب نباشد
 سرمست چشم خودیین رندان پارسا را
 خوش است از پاکبازان جان‌فشانی
 ولسی در پای یار پاکدامن
 (همام، ۱۳۹۴: ۵۸، ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۵۷)

واژگان مشتق مرکب از لحاظ بسامد در ردیف آخر واژگان هر دو شاعر قرار می‌گیرند. سعدی ۴۵ عدد از این نوع واژه در غزل خویش به کار برده است که مجموعاً ۱/۵ درصد از مجموع واژگان اوست. نمونه‌های زیر از اوست:

دوش حورازاده‌ای دیدم که پنهان از رقیب
 خوش بود ناله دل‌سوختگان از سر درد
 در میان یاوران می‌گفت یار خویش را
 خاصه دردی که به امید وفای تو بود
 بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس
 حد همین بود سخنگویی و زیبایی را
 شاید که بنده‌ای بکشد بی جنایتی
 عیبت نمی‌کنم که خداوند امرونهی
 (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۰، ۷۳، ۱۵۴ و ۱۹۸)

همام در متن معارضات ۳۴ واژه مشتق مرکب به کار برده که ۱/۳ درصد از واژگان او را تشکیل می‌دهد. نمونه‌های زیر از اوست:

مگذر بر سر زلفش که گرفتار شوی
 به هر منزل که می‌راند به تعجیل
 جان از این دام به هم در شده بیرون نبری
 دواسیه جان ما در پی دوان است
 که عشق با قدوبالای خویشتن بازی
 مکن تفرج سرو سهی همان خوش‌تر
 (همام، ۱۳۹۴: ۷۲، ۱۴۷ و ۱۵۲)

۲-۲. نکاتی در باب واژگان

یکی از نکات قابل توجه در غزل سعدی تعدد واژگان غیر ساده در یک بیت است که در غزل همام جز در مواردی انگشت‌شمار به چشم نمی‌خورد؛ برای نمونه به این ابیات از سعدی توجه کنید:

زهی اندک وفای سست پیمان
 بر خسته نبخشاید آن سرکش سنگین‌دل
 که آن سنگین‌دل نامهربان است
 باشد که چو باز آید بر کشته ببخشاید
 ماه مبارک طلوع سرو قیامت‌قیام
 مکن کاندر وفاداری نخواهی یافت ماندم
 یکی همتای من جستی زهی بدعهد سنگین‌دل
 (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۸۱ و ۲۲۸)

نمونه‌هایی از این دست در غزل سعدی بسیار است. این امر زمانی بیشتر نمود می‌یابد که این دست از ابیات سعدی را با ابیاتی از همام که به نوعی دارای زمین مشترک هستند مقایسه کنیم. به نمونه زیر از سعدی و همام توجه کنید:

دلبندم آن پیمان گسل منظور چشم آرام دل	نی‌نی دلارامش مگو کز دل برد آرام را (همان: ۱۳۱)
زان حلقه‌های عنبری آرام دل‌ها می‌بری	آرام دل‌ها کرده‌ای آن زلف بی‌آرام را (همام، ۱۳۹۴: ۵۹)

همچنین:

دگر به گوش فراموش عهد سنگین دل	حدیث ما که رساند مگر نسیم شمال (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۰۶)
خیالشان که نماید به ما کنون جز خواب	پیامشان که رساند مگر نسیم شمال (همام، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

یکی دیگر از نکات مورد توجه درباره‌ی واژگان غیر ساده، تنوع و تازگی ساخت‌های ترکیبی و اشتقاقی در غزل سعدی است. واژگان غیر ساده در غزل همام عموماً از نوع واژگان آشنا برای مخاطب است. واژگانی مثل گران‌جان، صاحب‌دل، ننگ‌ونام، شکرسخن، دست‌بوسی، دلربا، تیرباران، دل‌فریب، هرزه‌گرد و ... اما در غزل سعدی ترکیباتی می‌بینیم که ضمن تازگی از اثرگذاری ویژه‌ای نیز برخوردارند. واژگانی چون قیامت‌قیام، اندک‌وفا، بهشتی‌صورت، مبارک‌طلوع، بارافتاده، سنگین‌دل، زران‌دوده، پری‌پیکر، حورازاده و ... این امر به‌ویژه هنگامی که برخی از این کلمات که دارای معنای مشترک هستند را با هم مقایسه کنیم بیشتر بر ما معلوم خواهد شد؛ مثلاً همام می‌گوید پیمان‌شکن. سعدی در همین متن معارضات پنج معادل برای این واژه دارد که عبارت‌اند از: فراموش‌عهد، بدعهد، پیمان‌گسل، سست‌پیمان و زنه‌ارخوار.

۲-۳. واژگان و ترکیبات غیر فارسی

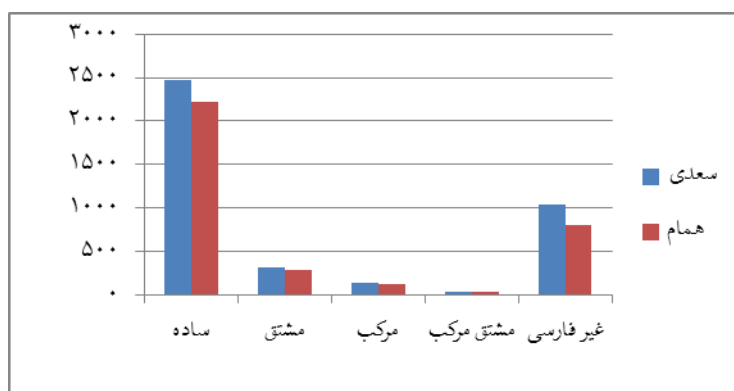
اغلب واژگان به کار رفته در غزل هر دو عربی هستند اما در موارد انگشت‌شماری واژگانی با ریشه‌های دیگر نیز در میان آنها به چشم می‌خورد؛ مانند قلّاش و ارمغان در شعر سعدی که ریشه‌ی ترکی دارند. یا مینو در شعر همام که ریشه‌ی پهلوی و درم که ریشه‌ی یونانی دارد. به‌هرروی اکثریت قریب‌به‌اتفاق این کلمات عربی هستند. تعداد این واژگان در غزل سعدی ۱۰۴۰ عدد است و در مقایسه با تعداد کلی واژگان او ۳۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهد:

هرگز حسد نبردم بر منصیبی و مالی	أَلَا بر آنکه دارد با دلبری وصالی
ذره‌ای در همه اجزای من مسکین نیست	که نه آن ذره معلق به هوای تو بود
لاابالی چه کند دفتر دانایی را	طاقت و عجز نباشد سر سودایی را
عجب در آن سر زلف معنبر مقبول	که در کنار تو خسبد چرا پریشان‌است (سعدی، ۱۳۸۵: ۵۸، ۱۴۶، ۱۵۴ و ۱۹۸)

همچنین در غزل همام ۸۱۳ عدد از این واژگان یافت می‌شود که در مقایسه با کل واژگان ۳۰/۴ درصد را از آن خود ساخته است. نمونه‌های زیر از اوست:

به از کحل جواهر دیده‌ها را
غبار موکب جان و جهان است
نوبهار و بوی زلف یار و انفاس نسیم
اهل دل را می‌دهد پیغام جنات نعیم
نیست تنت ز آب و خاک هست همه جان پاک
گشت مجسم مگر روح لطیف همام
گر زانکه نسبتش به عناصر همی‌کنی
آبش مگر ز کوثر و خاکش ز عنبر است
(همام، ۱۳۹۴: ۶۷، ۷۲، ۱۱۹ و ۱۲۹)

بنابراین تعداد واژگان غیر فارسی در شعر سعدی بیش از همام است که این امر احتمالاً مرهون عربی‌دانی سعدی است. نکته قابل ذکر آن است که تمام این کلمات از نوع واژگان ساده و آسان‌یاب است به طوری که امروز حتی تشخیص عربی بودن برخی از آنها برای مخاطب دشوار می‌نماید.



نمودار ۱. فراوانی واژگان در همام و سعدی

۳. نحو

۳-۱. ساختمان افعال

بیشترین میزان افعال به کار رفته در غزلیات هر دو شاعر از نوع فعل ساده است. افزون بر این، اختلاف در میزان استفاده از افعال گوناگون، یکی دیگر از نکات قابل اعتنا تعدد افعال در غزل‌هاست. البته این امر را نمی‌توان در همه غزل‌ها با هم مقایسه کرد؛ زیرا تمام غزل‌های معارضات تعداد ابیات مساوی ندارند. در سراسر معارضات تنها ده غزل است که به لحاظ کمیت ابیات با هم برابرند. مقایسه همین ده غزل نشان می‌دهد که تعدد افعال در غزل سعدی بیش از همام است. فعل‌های بیشتر به معنای جمله‌های بیشتر است. در غزل سعدی گاه ابیاتی می‌بینیم که در آنها تا ۵ یا ۶ فعل به کار رفته است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

گر برانی نرود و برود باز آید	ناگزیرست مگس دکۀ حلوابی را
چه گنه کردم و دیدی که تعلق بیریدی	بنده بی‌جرم و خطایی نه صواب است مرانش
بیا ای دوست گر دشمن ببیند	چه خواهد کرد گو می‌بین و می‌جوش
شهر آن توست و شاهی فرمای هر چه خواهی	ور بی‌گنه ببخشی و بی‌خطا برانی

(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۱۵، ۱۷۵، ۱۹۰ و ۱۹۸)

این کاربرد در شعر همام یافت نمی‌شود. بیشترین میزان تکرار فعل در بیت‌های همام از چهار مورد فراتر نمی‌رود که البته باز هم در مقایسه با سعدی کمتر است:

بیایم بنشین تا دلم بیساید
 در پی آن می‌دوید دل که نگاری کجاست
 که آن شمایل خوب انجمن بیاراید
 نوبت خوبان گذشت شاهد ما وقت ماست
 هستی خویش نهادم همه در وجه رخس
 گفت آسان نفروشم ندهم ارزانش
 (همام، ۱۳۹۴: ۶۵، ۱۰۱ و ۱۱۲)

در شعر سعدی تعدد افعال در یک بیت موجب می‌شود که مخاطب با جمله‌های کوتاه‌تری مواجه شود. معنای هر جمله در کوتاه‌ترین حالت ممکن فهمیده می‌شود و سپس مخاطب به جمله بعدی و معنای آن می‌پردازد. اما در غزل همام جملات ساختارهای طولانی‌تری دارند و گاه پیش می‌آید که یک جمله تا مصراع بعدی بیت نیز ادامه پیدا می‌کند:

چو حشر آدمی باشد به سویم خاک قالب را
 ز غیرت است که چندین هزار پرده نور
 که از مهرت بود خالی بدو هرگز نیوندم
 میان پرده عشاق و روی خویشان بست
 مطلب دانش از آن کس که به آب دیده
 شسته باشد ورق دفتر دانایی را
 چو نفخ صور دمد جان به مرده عاشق را
 نسیم زلف تو بخشد هزار جان ای دوست
 (همام، ۱۳۹۴: ۶۰، ۶۴، ۷۶ و ۱۷۴)

بنابراین می‌بینیم که «ساخت جمله در غزل همام طولانی‌تر است و این امر به‌نوبه خود رابطه مستقیمی با دشواری درک و ابهام دارد» (نوح‌پیشه، ۱۳۹۳: ۱۵).

۳-۲. کاربرد حروف

حروف ربط و اضافه افزون بر کاربرد معمولشان، گاه در شعر شاعران کاربردهای ویژه‌ای به لحاظ معنایی دارند. هر یک از این حروف با توجه به ساخت جمله می‌توانند معانی مختلفی پیدا کنند. معنایی که نه فقط برای توضیح، وابسته‌کردن یا ربط‌دادن اجزای کلام، بلکه گاه برای مقاصد معنایی متنوعی به کار می‌روند. همام و سعدی هر دو به کاربرد حروف و معانی مختلف آنها نظر داشته‌اند. نمونه‌های این حروف در اشعار هر دو شاعر بسیار است اما فراوانی آنها در غزل سعدی بیش از همام است. در جدول زیر به این حروف، معانی و تعداد آنها اشاره شده است:

جدول ۱- فراوانی حروف در همام و سعدی			
حرف	معنا	سعدی	همام
که	زیرا	۳۱	۱۴
	بلکه	۳	۰
	اگر	۱	۰
	درحالی‌که	۰	۱
	همچنان‌که	۰	۱
به	با	۵	۱
	در	۳	۱
	به‌وسیله	۲	۱
	به‌خاطر	۲	۰
	از نظر	۱	۰
	با وجود	۰	۱
	در ازای	۰	۱

۰	۱	به	با
۰	۱	در برابر	
۱	۰	با وجود	
۱۰	۶	وقتی که	چو
۰	۱	اگر	
۰	۱	در مقابل	و
۰	۱	در نتیجه	
۶	۱۲	فک اضافه	را
۱	۱	در برابر	
۱	۰	برای	
۶	۱۸	که	تا
۳	۰	برای اینکه	
۱	۲	به خاطر	از
۰	۱	به روی	
۱	۰	در برابر	
۰	۱	با وجود اینکه	اگر
۲	۰	به	بر

۳-۳. حذف

سعدی ۴۱ مورد حذف به قرینه لفظی و ۶۷ مورد حذف به قرینه معنوی دارد. در مقابل همام تنها شانزده مورد حذف به قرینه لفظی و دوازده مورد حذف به قرینه معنوی دارد. این میزان از اختلاف نشان می‌دهد که سعدی بیش از همام به رعایت ایجاز پرداخته است. از این میان آنچه بیش از همه اهمیت دارد، حذف‌های معنوی در کلام سعدی است. آنجا که اقتضات وزن، شاعر را به آوردن لغات محدود وادار می‌کند، سعدی با استفاده از این فن بر این محدودیت فائق می‌آید. اگر بخواهیم این ابیات سعدی را به فارسی روان برگردانیم، می‌بینیم که در این بازگردانی به دو یا سه برابر کلمات بیت محتاجیم. حذف‌ها به‌گونه‌ای هستند که در نگاه اول چندان به چشم نمی‌آیند، اما با کمی دقت و تعمق به راحتی می‌توان به آنها پی برد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- (چاره‌ای نیست) آلا (اینکه) گذر نباشد پیش تو اهل دل را (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۹)

- (باید نشست و دید) تا بخت بلند این در بر روی که بگشاید (همان: ۱۸۱)

- باز می‌بینم و (درمی‌یابم که) دریا نه پدیدست کرانش (همان: ۱۷۵)

- تو را از آنچه (باک باشد) که در نعمتی و در نازی (همان: ۱۴۸)

نکته قابل توجه درباره حذف‌های سعدی، حذف عبارتهایی از کلام است. تمام حذف‌های معنوی همام غیر از دو مورد، حذف فعل است. سعدی نیز فعل‌ها، مفعول‌ها و فاعل‌ها را به قرینه معنوی حذف کرده است؛ اما هنر اصلی او در حذف عبارات است. این حجم از اختلاف میان بسامد حذف پاره‌های مختلف کلام در غزل سعدی و همام تنها یک معنا دارد و آن توجه سعدی به ظرفیت‌های شگفت‌آور حذف در تولید ایجاز و ایجاد بستر کشف و شهود و در نتیجه لذت بیشتر برای مخاطب است. در واقع سعدی از رهگذر همین نگفتن‌هاست که معنای کلام را

گسترش می‌دهد و به معنای ایجاز که آوردن معانی بسیار در کلمات اندک است، جامعه عمل می‌پوشاند.

۳-۴. جابه‌جایی ضمائر

ضمایر متصل انعطاف‌پذیری بالایی در تغییر موقعیت مکانی دارند. این ضمائر در جمله می‌توانند سه نقش مفعولی، متممی و مضاف‌الیهی بپذیرند. بررسی ضمائر در متن معارضات نشان می‌دهد که سعدی بیش از همام به کارکرد شناوری ضمائر توجه داشته است. سعدی مجموعاً ۴۹ بار و همام ۲۷ بار ضمائر را جابه‌جا کرده‌اند. از این تعداد در غزل سعدی ۲۹ ضمیر نقش مفعول، پانزده ضمیر نقش مضاف‌الیه و پنج ضمیر نقش متمم دارند:

- به جانت کز میان جان ز جانت دوست‌تر دارم (همان: ۲۲۸): از جان دوست‌تر دارم = تو را دوست‌تر دارم (مفعولی)

- وی مرغ آشنا مگرت نامه در پرست (همان: ۴۹): نامه در پرت است = نامه در پر تو است (مضاف‌الیهی)
- و گر به دست خودم زهر می‌دهی شاید (همان: ۱۹۶): زهر می‌دهی‌ام = به من زهر می‌دهی (متممی)
در مقابل در غزل همام، پانزده ضمیر نقش مفعول، هفت ضمیر نقش مضاف‌الیه و پنج ضمیر نقش متمم دارند:

- بر رهگذر که آبی بنگر به زیر چشمم (همام، ۱۳۹۴: ۱۵۷): به زیر چشم بنگرم = مرا بنگر (مفعولی)
- روزگارم ز استخوان سر چو انگیزد غبار (همان: ۱۴۱): ز استخوان سرم = استخوان سر من (مضاف‌الیهی)
- که آفتاب به روزم ستاره بنماید (همان: ۱۰۱): ستاره بنمایدم = به من ستاره بنماید (متممی)
یکی از مسائل قابل ذکر در این بخش تنوع موقعیت مکانی ضمیر در غزل سعدی است. منظور از تنوع موقعیت مکانی این است که ضمیر جابه‌جا شده، پس از جدایی از جزء اصلی خود به کدام‌یک از اجزای کلام می‌پیوندد. این امر چنانکه مطرح شد در غزل سعدی تنوع بیشتری دارد. در غزل او ضمائر نامبرده بیش از همه به اسم چسبیده‌اند. این امر ۴۲ بار در غزل سعدی اتفاق افتاده است. افزون بر این، در شعر او ضمائر چهار بار به حرف، دو بار به ضمیر و یک‌بار به فعل چسبیده‌اند:

- دوش در خوابم در آغوش آمدی (سعدی، ۱۳۸۵: ۹۱): اتصال به اسم
- گرم قرار نباشد که داغ هجران است (همان: ۱۴۶): اتصال به حرف شرط
- و گر به دست خودم زهر می‌دهی شاید (همان: ۱۹۶): اتصال به ضمیر مشترک
- برکنم دیده که من دیده‌ام و برکنم (همان: ۲۰۶): اتصال به فعل
در مقابل آن، ضمائر جابه‌جاشده همام ۲۳ بار به اسم، سه بار به ضمیر و یک‌بار به حرف متصل شده‌اند:

- اگر به بوته عشقم چو سیم بگدازی (همام، ۱۳۹۴: ۱۵۲): اتصال به اسم
- به هر مویی گرم باشد زبانی (همان: ۱۴۰): اتصال به حرف شرط
- خوشا کسی که تواش همشین و همرازی (همان: ۱۵۲): اتصال به ضمیر شخصی جدا

۳-۵. تقدیم و تأخیر اجزای جمله

روشن است که ترتیب قرارگیری اجزای کلام در شعر از شیوه دستوری به شیوه بلاغی تغییر حالت می‌دهد. به این معنا که اجزای کلام در شعر، گاه با هدف برجسته‌سازی بخشی از کلام و گاه به دلیل رعایت وزن عروضی در شعر سنتی جابه‌جا می‌شوند. جدول فراوانی زیر به بسامد انواع جابه‌جایی در معارضات همام و سعدی اشاره می‌کند:

جدول ۲. فراوانی تقدیم و تأخیر در همام و سعدی		
همام	سعدی	انواع جابه‌جایی
۳۰۶	۲۲۵	تقدیم فعل
۷	۲	تقدیم مفعول
۱۹	۱۴	تقدیم مسند
۰	۱	تقدیم متمم
۲	۲	تقدیم قید
۲	۷	تقدیم صفت
۳	۱	تقدیم مسندالیه
۱	۰	تقدیم حرف
۱	۰	تقدیم فعل معین
۴۵	۵۰	تقدیم مسند و فعل
۳	۱۱	تقدیم مفعول و فعل
۲	۳	تقدیم قید و فعل
۱	۳	تقدیم متمم و فعل
۱۵	۱۴	فاصله میان اجزای فعل مرکب
۱۶	۲۰	جابه‌جایی ارکان فعل مرکب
۱	۱	فاصله میان فعل معین و اصلی
۸	۲۷	فاصله میان حرف نفی و فعل
۰	۱	جابه‌جایی صفت و موصوف
۱	۱	فاصله میان ارکان مصدر مرکب
۱۶	۱۶	تأخیر منادا
۳۴	۳۷	تأخیر فاعل
۱۵	۹	تأخیر مفعول
۳	۶	تأخیر متمم
۴۵	۲۰	تأخیر قید
۱۰	۱۸	تأخیر حرف
۰	۳	تأخیر فعل
۱۶	۱۳	تأخیر منادا
۳۱	۱۴	تأخیر مسندالیه
۱	۱۳	تأخیر معطوف
۳	۲	تأخیر صفت
۰	۱	تأخیر شبه جمله
۰	۲	تأخیر مسند و فعل
۰	۲	تأخیر جمله شرط

با نگاهی اجمالی به جدول فراوانی، می‌توان دریافت که تنوع جابه‌جایی‌های نحوی در غزل سعدی بیشتر است. مثلاً تقدیم متمم، جابه‌جایی صفت و موصوف، تأخیر فعل، تأخیر شبه جمله، تأخیر مسند و فعل و تأخیر جمله شرط فقط در غزل سعدی دیده می‌شود و در همام نمونه‌ای ندارد. همچنین نوع خاصی از جابه‌جایی که ما آن را «تأخیر معطوف» نام نهادیم، در غزل سعدی سیزده نمونه دارد و به نظر می‌رسد این کاربرد مختص اوست. این نوع جابه‌جایی به این صورت است که سعدی گاهی میان معطوف‌الیه و معطوف فعلی می‌آورد و بدین ترتیب، این دو را از هم جدا می‌کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- یا رب تو آشنا را مهلت ده و سلامت (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۷۸)

- سعدی قلم به سختی رفته‌ست و نیکبختی (همان: ۱۷۸)

- در قیامت بر صراطت جای تشویش است و بیم (همان: ۱۴۲)

- نه زنده را به تو میل است و مهربانی و بس (همان: ۱۹۵)

- که سعدی در تو حیران است و مدهوش (همان: ۱۹۰)

- گر شاهدان نه دنیی و دین می‌برند و عقل (همان: ۲۲۵)

- چنین سبک نشینند و سرگران ای دوست (همان: ۱۹۲)

این جابه‌جایی در غزل همام فقط یک نمونه دارد و آن هم در مطلع غزلی است که همام در برابر مطلع سعدی سروده. نمونه‌های زیر به ترتیب از سعدی و همام است:

- فراق دوستانش باد و یاران (همان: ۱۳۱)

- خیالی بود و خوابی وصل یاران (همام، ۱۳۹۴: ۱۳۳)

البته همین یک نمونه نشان می‌دهد که همام متوجه این کاربرد در شعر سعدی بوده است؛ اما به‌هرروی، بسامد آن در غزل سعدی بیشتر است.

کاربرد تأخیر صفت نیز در شعر سعدی قابل ملاحظه است. در جدول فراوانی آمده که سعدی در این معارضات دو نمونه تأخیر صفت دارد و همام سه نمونه. برای روشن‌تر شدن کاربرد منحصره‌فرد تأخیر صفت در غزل سعدی، ابتدا به ذکر نمونه‌های این کاربرد در شعر همام می‌پردازیم:

- نیکوان را همه دیدیم و تو چیز دگری: تأخیر صفت مبهم (همام، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

- روزی دو درین منزل با وصل توام خوش‌دل: تأخیر صفت شمارشی (همان: ۱۰۲)

- که کارها همه بیرون ز اختیار من است: تأخیر صفت مبهم (همان: ۷۴)

اما تأخیر صفت در سعدی مانند تأخیر معطوف است؛ به این ترتیب که سعدی بین موصوف و صفت بیانی فعلی حائل می‌کند. این کاربرد مختص اوست و در شعر همام نمونه‌ای ندارد:

- این قاصد از کدام زمین است مشک‌بوی (سعدی، ۱۳۸۵: ۴۹)

- هم بخشاید چو مثنی استخوان باشم رمیم (همان: ۱۴۲)

نکته آخر در این مبحث، بسامد کلی جابه‌جایی در غزل‌های همام و سعدی است. شاید با بررسی تعداد کلی ابیات بهتر بتوان در این باره داوری کرد. مجموع ابیات سعدی در متن معارضات ۴۸۲ بیت و مجموع ابیات همام ۴۲۶ بیت است. سعدی در این تعداد ابیات ۵۱۳ مورد جابه‌جایی دارد و همام در این تعداد ابیات ۵۹۹ مورد؛ بنابراین، اجزای کلام در غزل همام بیشتر جابه‌جا شده‌اند. البته انحراف از قوانین همنشینی اجزای کلام و درهم‌ریختگی‌های نحوی روشی است

که تمامی شاعران برای دستیابی به زبان شعری از آن استفاده می‌کنند؛ اما در این پژوهش و به‌ویژه در مقایسه با سعدی، این بسامد قابل چشم‌پوشی نیست. دربارهٔ سعدی گفته‌اند که «مهم‌ترین عامل در روانی کلام، گذشته از حسن انتخاب واژگان، این است که اجزای کلام به همان ترتیبی دنبال هم قرار گیرند که معنای کلام اقتضا می‌کند. رعایت این امر در شعر مستلزم غلبه کردن بر مانع وزن و قافیه و ردیف و مصراع‌بندی است. شعر سعدی از دیرباز نمونهٔ عالی گذشتن از این موانع بوده است و شعر او در رعایت این ترتیب اغلب فصیح‌ترین نمونهٔ نثر است» (ضیاء موحد، ۱۳۹۲: ۱۴۵). در واقع هنر شاعر چنانکه گفته شد در فائق آمدن بر محدودیت‌های وزنی و رعایت ترتیب نحوی است. افزون بر این، موضوع دیگری که نشان‌دهندهٔ هنرمندی شاعر است، حفظ روانی کلام و معنا با وجود جابه‌جایی‌های نحوی است. در غزل سعدی، حتی در نمونه‌هایی که جابه‌جایی صورت گرفته، تکلفی به چشم نمی‌خورد. زبان و معنا روان است و گاه این جابه‌جایی‌ها جز با تأمل و مکث بر مخاطب آشکار نمی‌شود. اما در غزل همام گاه پیش می‌آید که جابه‌جایی‌ها از روانی کلام می‌کاهند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- کی بود آن را که بیند روی او پروای تو (همام، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

- بود می‌باید نمودی کی بود همتای تو (همان)

- دارد همام از روی تو خورشید در کاشانه شب (همان: ۵۹)

- این تن خاکی دوان بهر سرایی چراست (همان: ۶۵)

- کرده بود از ناز آغاز عتاب (همان: ۶۱)

- گفتن ادب نباشد پیمان شکن نگارا (همان: ۵۷)

- که هست بلبل مسکین اسیر در قفسی (همان: ۱۵۳)

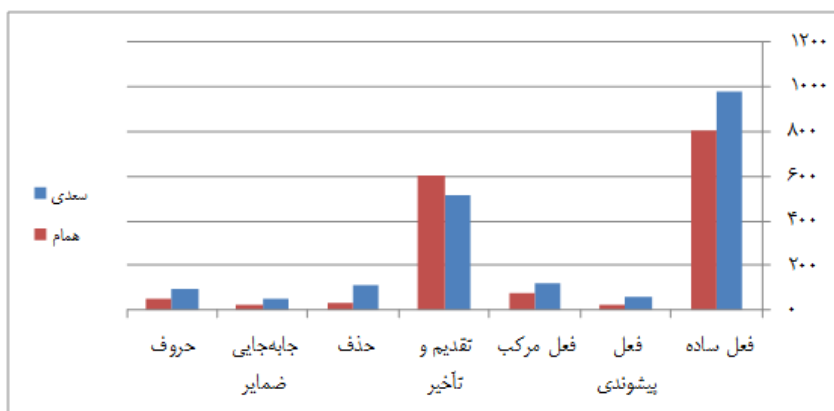
در زهد پارسایی چندان عجب نباشد سرمست چشم خودبین رندان پارسا را

(همان: ۵۸)

عشق‌بازان حقیقت همه بازی شمردند مهر آن دل که بود در هوس مرهم ریش

(همان: ۱۱۳)

این جابه‌جایی‌ها که بعضاً در غزل همام دیده می‌شود، از روانی شعر می‌کاهند و اگر معنا را تماماً زائل نکنند، دست کم فهم آن را دشوار خواهند کرد.



نمودار ۲. فراوانی عناصر نحوی در همام و سعدی

۴. نتیجه

در این تحقیق تلاش کردیم ضمن مقایسه معارضات همام و سعدی در دو بخش واژگان و نحو، اولاً، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در هر بخش را به مدد آمار و تجزیه و تحلیل نشان دهیم و ثانیاً، مشخص کنیم که ساحات مختلف غزل هر کدام از ایشان چیست تا بابتی برای داوری درباره میزان موفقیت همام در پیروی از سعدی و نیز شناخت بیشتر جامعه ادبی از سیاق غزلیات او باز شود.

از بررسی بخش واژگان برمی‌آید که بسامد واژگان ساده در غزل هر دو بیشتر از سایر واژگان است؛ اما سعدی بیش از همام به واژگان مشتق و مرکب و نیز واژگان عربی توجه داشته است و بسامد این واژگان در شعر او بیشتر از همام است. افزون بر بسامد کلی، دو موضوع دیگر درباره واژگان غیر ساده سعدی جالب توجه است: نخست، تعدد واژگان غیر ساده در یک بیت و دوم، تنوع ساخت‌های ترکیبی و اشتقاقی. در غزل سعدی ترکیباتی می‌بینیم که ضمن تازگی، در ساخت‌های ترکیبی و اشتقاقی نیز تنوع دارند. در این میان، صفت‌های سعدی از زیباترین ساخت‌های ترکیبی و اشتقاقی اوست که افزون بر ساختمان، از لحاظ انتقال معانی لطیف نیز جالب توجه است. در مبحث واژگان غیر فارسی نیز اگرچه سعدی بیش از همام از آنها استفاده کرده، لیکن در غزل هر دو این واژگان از تکلف به دور و از نوع واژگان آسان‌یاب است؛ به طوری که گاه تشخیص فارسی نبودن آنها برای مخاطب دشوار می‌نماید.

در بخش نحو ابتدا ساختمان فعل را بررسی کردیم. کاربرد هر سه نوع فعل، یعنی ساده، پیشوندی و مرکب، در غزل سعدی بیش از همام است. درباره افعال آنچه اهمیت دارد و فقط در غزل سعدی یافت می‌شود، تعدد افعال در یک بیت است. درباره کاربرد حروف در غیر معنای اصلی خود هم چنانکه در جدول فراوانی به تفکیک بررسی کردیم، سعدی بیشتر به ظرفیت‌های ویژه حروف برای ایجاد معنا توجه داشته است. حالت شناوری ضمیر متصل نیز بیشتر در غزل سعدی اتفاق افتاده است. در مبحث نحو، دو موضوع حائز اهمیت است که با تشریح آنها بخش عظیمی از دقایق مربوط به ساختارهای نحوی در غزل‌های هر دو بر ما آشکار خواهد شد: یکی مبحث حذف و دیگری مبحث جابه‌جایی اجزای کلام. در بخش مربوط به حذف، سعدی بیش از همام به حذف پاره‌های مختلف کلام پرداخته است. بخش زیادی از این اجزا و عبارات به قراین معنوی از کلام حذف شده‌اند و این خود یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های نحوی کلام سعدی است. وقتی وزن شعر سنتی شاعر را در آوردن الفاظ و معانی محدود می‌کند، سعدی با به‌کارگیری این فن عبارات و معانی بیشتری را در شعر می‌گنجاند و همین امر است که غزل او را به زیور ایجاز می‌آراید. گاه پیش می‌آید که او نه فقط یک کلمه، بلکه یک عبارت را از بیت یا مصرع حذف می‌کند و به این ترتیب معنا را گسترش می‌دهد و در واقع این گسترش معنایی نه از گفتن، بلکه گاه از رهگذر همین نگفتن‌هاست که صورت می‌گیرد. با این تفاسیر سعدی جمله‌های بیشتری در هر غزل ساخته است و جمله بیشتر یعنی معنای بیشتر. بخشی از این امر به مدد تعدد افعال و بخش دیگر با به‌کارگیری ظرفیت‌های شگفت‌آور حذف حاصل آمده است. تعداد

حذف‌های همام در مقایسه با سعدی چندان چشمگیر نیست. به‌ویژه اینکه در غزل او حذف عبارات به قراین معنوی فقط دو نمونه دارد؛ بنابراین همام از این شگرد بی‌نظیر در ایجاد ایجاز محروم است. همچنین نگاهی به جداول فراوانی و نمودارهای ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد همام بیش از سعدی اجزای کلام را جابه‌جا کرده است. این امر وقتی بیشتر نمود می‌یابد که بدانیم در مجموع معارضات، همام تعداد ابیات کمتری نسبت به سعدی ساخته است؛ اما در همین تعداد، قریب به نود مورد بیشتر از سعدی اجزای کلام را جابه‌جا کرده است؛ البته، درهم‌ریختگی نحوی در شعر سنتی امری رایج و عادی است، ولی همین که سعدی در تعداد ابیات بیشتری که پرداخته، نسبت به همام کمتر جابه‌جایی نحوی دارد، خود نشان‌دهنده توانایی خاص سعدی در رعایت نحو معیار با وجود محدودیت‌های موجود است. با این تفاسیر، در نگاهی کلی به نحو، می‌توان گفت که بنیان‌های نحوی در غزل سعدی استوارتر است.

منابع

- بیگدلی، آذر (۱۳۳۷)، *آتشکده آذر*، به کوشش جعفر شهیدی، تهران، موسسه نشر کتاب.
- سعدی (۱۳۸۵)، *غزل‌های سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، سخن.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر.
- شمس حاجی دولت‌شاه شیرازی (۱۳۸۸)، *سقییة شمس حاجی*، به کوشش میلاد عظیمی، تهران، سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲)، *دستور مفصل امروز*، چ چهارم، تهران، سخن.
- لودی، امیر علی شیرخان (۱۳۷۷)، *مرآة الخیال*، به کوشش حمید حسینی، تهران، روزنه.
- مجموعه اشعار و مراسلات (۷۴۱-۷۴۲ ق)، نسخه خطی، ش ۴۸۷، ر کتابخانه لالاسماعیل، ۲۸۳ برگ، عکس ۱۰۳۲-۱۰۳۴، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۲)، *رباعیات خیام در منابع کهن*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- موحد، ضیاء (۱۳۹۲)، *سعدی*، تهران، نیلوفر.
- نصرتی، نعمت‌اله (۱۳۸۸)، «بررسی سبک‌شناختی پانزده غزل سعدی و پانزده غزل همام تبریزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- نوح‌پیشه، حمیده (۱۳۹۳)، «ارتباط برون‌متنی و درون‌متنی غزلیات سعدی و همام تبریزی (با تأکید بر بلاغت ساختارهای نحوی در غزل سعدی)»، *جشنواره علمی فرهنگی آموزگار ادب*؛ گرامیداشت سعدی، تهران، دبیرخانه نکوداشت مفاخر ایران اسلامی.
- همام تبریزی (۱۳۹۴)، *دیوان*، تصحیح رشید عیوضی، تهران، آثار.
- _____ (۷۳۹ ق)، *دیوان*، نسخه خطی، به خط علی‌شاه بن احمدشاه بن علی صائغ اصفهانی، ش ۱۶۵۰۹، کتابخانه آیه‌الله مرعشی.

Refrence

- Bigdeli, Azar (1958), *Atashkadeye Azar*, Jafar Shahidi, Tehran, Book Publishing Institute. (in Persian)
- Saadi (2006), *Ghazalhay Saadi*, Gholamhosein Yusefi, Tehran, Sokhan. (in Persian)
- Samarghandi, Dowlatshah (2003), *Tazkerat-oshoara*, Edward Browne, Tehran, Asatir. (in Persian)
- Shams Haji Dowlatshah Shirazi (2009), *Safine Shams Haji*, Milad Azimi, Tehran, Sokhan. (in Persian)

- Farshidvard, Khosrow(2013), *Detailed grammar of Today*, P 4, Tehran, Sokhan. (in Persian)
- Ludi, Amiralishirkhan(1998), *Marat-olkhial*, Hamid Mohseni, Tehran, Rowzane. (in Persian)
- Collection of Poems and Merslats (1321), manuscript No. 487 in La La Ismail Library 283, pages 1034-1032 of the Central Library of Tehran University. (in Persian)
- Mirafzali, S.Ali (2003), *Khayyam Quatrains in Ancient Sources*, Tehran, University Publishing Center. (in Persian)
- Movahed, Zia (2013), *Saadi*, Tehran, Niloufar. (in Persian)
- Nosrati, Nematollah (2009), “Cognitive Styles of 15 Ghazal Saadi and 15 Ghazal Homam Tabrizi”, M.Sc. Thesis, Payame Noor University, Tehran, Iran. (in Persian)
- Noohpisheh, Hamideh (2014), “Extratextual and intratextual communication of Saadi and Homam Tabrizi's sonnets (with emphasis on the rhetoric of syntactic structures in Saadi's sonnet)”, Cultural Festival of Amuzegar Adab, Commemorating Saadi, Tehran, Secretariat of the Noble Heritage of Islamic Iran. (in Persian)
- Homam Tabrizi (2015), *Divan of Homam Tabrizi*, Rashid Eivazi, Tehran, Asar. (in Persian)
- Homam Tabrizi (1315), *Divan*, handwritten by Ali Shah b. Ahmad Shah b. Ali Sa'iq Esfahani, library of Ayatullah Mar'ashi of Qom. (in Persian)